



کتابخانه مجلس شورای
مؤسسه ۱۳۰۲

اسم کتاب قصاید مصنوعه امیر شیرازی
مؤلف امیر شیرازی
موضوع تالیف

شماره دفتر ۴۱۸
۴۸۲۱



۵/۶

سرب قنده حلا

بازدید شد
۱۳۸۱



101

بولا
مجلسی سرافراز
خداوند
بوده در سن
عالم از
قدما
اشعر

در بیان مقصود مصنف اول

حمدی از چند افروزی سیاسی از قیاس هر چه از او در صنایع تحول که بکلیک صنایع کجاست
بدین آمار برصنای روزگار نظم فقیده موجود است به افسوس صنایع زخم کرده **میت**
الذی لاله الاحوال والذی لم یلد ولم یولد وصلوات ثانیات ثانیات ثانیات
کاینات خلاصه موجود است صاحب المعونات الایات یعنی محمد مصطفی صلوات الله علیه وآله
و سلم **میت** در نظم وجود و چه غیر مریسل چون قافیه در آخر و منوط در اول و در و در **میت**
بر آن اولاد او باد و بعد موده می شود که بعد از مطالعه فراغ و مشایخه صیقل و مقصود
بدین مقصود مصنفی که رفته و کلک الطایف شعار منظر الشراخ و جلال الهی و الیدین پس
ساجی است صنایع الله تعالی بجز الهی سر **میت** از آن بحری کو سر **میت** زنی باغ
کز نخبه از سخن بشد موده این شکرین مغرور است **میت** و مقصود مکوم که بحری بود **میت**
چه بحری که سر کوشه بحری در و **میت** لکن با وجود و در و در صنایع و زینت بدین چو شکر شکر
قافیه در بر مکتبیده و لود و جانا جانش بکمال انزیر پسند بود چه در شعر قافیه صلت و مقصد
مت شعر را بنحاه موی پسند کرده اند و قافیه را زین کشته اند و مقصود معزود و مت

چهار رکضه بر این واجب نمود بطریق شمع اشیا نمودن مقصود و موشح بالغاب سر
به و این صناعت و مروج این صناعت امیر کرم عالم عادل منظر الامرا **میت** العنصر
ملک و الشراخ و العار که بشکلی المسالك صنایع اسلام و المیل نظام الهی و الدولة
والذی بنا و الذی بنی علی شبر **میت** اکثر و ثمر و ثمر و ثمر **میت** حمد از افاضات
اوست **میت** سرخ رویی بل فصل امروز **میت** چه نهیل از غنای طلعت اوست **میت**
لازال نظام الملک و طلال سبله و مد علی بنی فیل شل نواله و شمل راصول و
فروع کج و در و بر پسند که وزان نوزده کاه است و لکن یک کج آن و تعویض قسام
و حده و و غنائی صحیح و معیوب و اسامی آن و این صنایع و بدین که مقصدین در
جمع کرده اند **میت** از حشمت پسته باز منظر الله بالو در صنایع که فکر کج آن غرق
محر جان کز می علی شبر از می اخراج کرده است که در آن حضرت به قول مسموع است
و بعضی صنایع خط کرده **میت** مکر نسیم و قلم و قلم و قلم و قلم که شکسته کل امید من این
بستان **میت** و الکفاح و است الاحوال **میت**

[illegible]

اعطی
 منقول
 محرم
 بنو من شک که رحمت
 خان
 قاف
 صفت
 منقول
 رحمت
 است

[illegible]

غم زانکه جاکست و رستم
 غم زانکه جاکست و رستم
 غم زانکه جاکست و رستم
 غم زانکه جاکست و رستم

بصفت
بحر
از و نجواک نیست نه از
تا چشم بحیرت رخ تو
صفت
عجب

بما که بنیاد خشم اگر کنی ای پشه
کلاه جش بخنخ افکند و وصل

زی مزید محبت زنی سعادت یار
خوشا که پای تو ساخت

سرمخو و درخت **چند** سازش کرد
 عیالیک که وصف **آورد** **چنانست**

صبا چو کوثر باف کرد **دل** **آب**
 که **ش** حاصل **چو** **چرخ** **آورد**

اصطلاح
مصلحت
خروج
کردن
مصلحت
دوران
دوران
صفت

سرمه **سپیدای** بخمر شو
ترا آشن **غم** که سوخت بس عاشق
مسوز جان **کمال** بار من و کزین **بار**
قلی **ب** **غم** خوار ای کی کشت **غبار**

طراوت کل رویت که جزو حشمت چمن
منزار غنم کجا بسوخ پسینوا
بهر سپار آس علم که حشمت قاصد صفت
قطع

[illegible]

غائبی از تو نه می گوی که اگر بفر
نه شک خاک بیا بخت سپه تان

ووصالی از چشم او داشت بخت و لیک
چو من یاد تو ایام خوشم وصال نگار
از دروازه در دما زور دست
نه خوں خوشی من یاد تو ایام

محمد اوستی است در جدول مطرب
در کسالت غم یکین و عیب کن

بکن نمی غم آمد مبدوم از دیدار
چرا که شد عشق ز غم گشت انبار

بجهر
اصطلاح
امنی او دو کا اردو آمد و رفت
منزله خودم اگر خوشی هم بین

در منزل
مستظریف که بر عین
همه نمائندگی و شکر

مسجد

سحر او ان خطی قافیه

نفاذ کف او ان

بجز قینیت و لار اتم که در عالم
ورای عشق عالم نمود که ارباب

عظیم
مقام
و لا راجع که در عالم علم کرد
مقام
بهر
عافه صفت

دولم بهشت و عفت نو پسند	که منت چس چس نو پسند از اسبها
همین چون پریم در چس لعلی	بخار غم چه منت بم گنا پس زمانه
بجگر شیب و غیبش چس چس	فانص صفت
چس چس شس عفت سپید	فانص صفت
م که جان کند ناز و غیر غم	نمیزد که گف جایت چس چس
ی یقین جان رودم هر زمان در حال	نوی میاید خط خط ای نو کوازار
بجگر جان کند ناز و غیر غم	فانص صفت
میزد جایی می میاید جان	فانص صفت
شکار لا غم اصلا نمیشد	که نماند به پیش تو عالمش مقدار
بمیزد بوست کفان رنگ حریر	که نمیزد به پیش می مرادین بازدار
بجگر اصلا نمیشد به پیش	فانص صفت
کتاب بهشت علم بشیر	فانص صفت

بجگر دشوق می تویدین برود و	فانص صفت
زوق کوی تویدین کشش هم	فانص صفت
س پسند اگر دل صید کند نو سادست	درین که پای سمنت برو گذر فار
ی یقین که تو من آهونم اسیرست	پس آهوی جو میرد غم رسد به بار
بجگر دل صید کند شد چو کسیت	فانص صفت
در پای سمنت چو میرد چو کسیت	فانص صفت
دل جزین چو خراب یکی نظر ازنت	چه باشد از جایی می میاید چو کس
ی یکی نماند چو نیم حشر و شاهد او	پس است چو خراب او اندم در کند
رنگ ترا چو می بن کر م سمنست	بیک نظر می شکسته مکار
بجگر چو خراب که نظر می شد از می	فانص صفت
چه شد از می که نظر می شد از می	فانص صفت
بباید لب شکر نو شربت شکر	حد تو لاله نو خط نو سبیل غدار

[illegible]

دولت ملک جان و علم پادشاه
که تا بر دوم از جان عقل و شورش
دل ز تو در ملک جان و علم
من تو در نه دم از اولم

فقط
بهر
صفت
درجه

معنی معلوم است
فقط که علامت

معنی معلوم است
فقط که علامت

ست متن است پس از
 قطع
 بحر
 شیخ از اسکندریه
 مغل از اسکندریه
 ست است پس از
 فاضل
 مغل از اسکندریه
 مغل از اسکندریه

اگرچه در چند روز است چرخ فرست
کینکد بر روی فلم حط زنگار
شوخی که برین و جمال غزلو بود
به پیش چرخ نورانی بنم درو و
هم گزشت تو شیرین من بود که دام
چرخ عرصه خیریت برد یوار

این کتاب در بیان فضائل
 و کمالات حضرت محمد
 صلی الله علیه و آله
 و آله و سلم است
 و در بیان احوال و
 مشایخ و تلامذات
 و در بیان احوال و
 مشایخ و تلامذات
 و در بیان احوال و
 مشایخ و تلامذات

سار باده بود و در هر چه بهایست
 بیک دود و در عجب است از صفا
 به طبع بجز ساقیا بهار آید فاش
 کج بهایست قافیه صفت
 فاش علف غریب
 سار باده بود و در هر چه بهایست
 بیک دود و در عجب است از صفا
 به طبع بجز ساقیا بهار آید فاش
 کج بهایست قافیه صفت
 فاش علف غریب

[illegible][illegible]

فلک شد بیدار گشت مهرور

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
تاسیس ۱۳۰۲ هجری قمری
تاسیس ۱۹۲۳ میلادی
تاسیس ۱۳۰۲ هجری قمری
تاسیس ۱۹۲۳ میلادی

چون که از کبریا شای او کس نیست

ی من که کار بر آید و علم بر آید
یعنی که کام تر آید و علم بر آید

خط از دست من است
 خط از دست من است
 خط از دست من است
 خط از دست من است



درین کت از فضل حضرت علی
 خط از دست من است
 در وقت برادران کت است



خط از دست من است
 خط از دست من است
 خط از دست من است
 خط از دست من است



خط از دست من است
 خط از دست من است
 خط از دست من است
 خط از دست من است

خط از دست من است
 خط از دست من است
 خط از دست من است
 خط از دست من است

خط از دست من است
 خط از دست من است
 خط از دست من است
 خط از دست من است



خط از دست من است
 خط از دست من است
 خط از دست من است
 خط از دست من است

خط از دست من است
 خط از دست من است
 خط از دست من است
 خط از دست من است

[illegible][illegible]

صدوی اول و صد و پنجاه و شش
چهارم است همش این را در او نهاده

از حشو مصانع اول مضید این طبعه و منجز و اوان الحساب

امتن

کلیک کلک	همه فین	عزیز	کریم
بکلیک کلک	کریم	عزیز	کریم
بکلیک کلک	کریم	عزیز	کریم
بکلیک کلک	کریم	عزیز	کریم

ان قطع که حروف غیر ثنویست از حشو مصانع ثانی مضید و منجز

سر و ملک	کریم	عزیز	کریم
سر و ملک	کریم	عزیز	کریم
سر و ملک	کریم	عزیز	کریم
سر و ملک	کریم	عزیز	کریم

و پیا چر صبه و مصلحت و اوج حضرت شیخ نجف

محمد جد و پسران پس حضرت عزت را طاعت ننهاد و غفلت کسب نداد
مت آن عالمی صورت حسنی آفریده است + عمر کرار بنده صورت کشیده است +
مت مبارک الله حسین نجفین و صلوات از اکیات و نجات بانیات بر سر
عالم و منور آدم که هم صدر حضرت رسالت و ما و الیوان جلالت
رسول المشیخ پدید العرب العظمی محمد المصطفی علیه افضل الصلوات
اکمل النجات از اکیات مت کرده است و پست بخت عالم آدمی با نعم
موجودات عالم کی در اسم آید نه و آله الطاهرین و الائمة المعصومین خصوصاً
پیش ولایت و شمس شبستان است امیر المؤمنین امام المقتدر علیه السلام
غالب کل غالب امام است ارفع المعارب یعنی علی ابن ابی طالب علیه السلام
اصفاه و مرانجات اکمل مت شایکی که ماه در شمس نبه ساخت +

عزرا منی است و از حجت ساخت مت نو و صبه که این نصیب است
صد و پنجاه و چهارست سوخت به العاتب و خنده مدوح که موادی صد و ده
از آن پیشتر می شود و روق و اصول بخورده ابرسینه که او زانی روزگار
و لعلیک بخور و تفریت اتمام صد و فانی صحیح و معیوب و اسامی آن امر کجا
و سخات و انواع اسباط جلی و خفی و اصناف صنایع و بدائع که در کشف
و متاعین مع آله و با بعضی از نوادر صفت که زاده طبع این غرض بحر حاکم
ای شیراز نیست امید که بر پسر مول سیم احمد در حسن رضا و طر کرد
مت بزرگو از خدا یا چو شعر قنوت است + ری فنا که کند و در جهان
صدق در اول نه ز سوره مغارب یکی علی + برینست شعر شمس علم اعلا

مت الدیاب

مستند و مستوع

هوا می جنبت کویت هم جنبه
خدا می گفت من به هم شک نام
نمید که کل عالم چه سره با است
بخواندین من من توکل در است
هوا می جنبت کویت هم جنبه
خدا می گفت من به هم شک نام
در سپید با غمی را دم که شد از دنیا
بخواندین من من توکل در است
نمید که کل عالم چه سره با است
بخواندین من من توکل در است
هوا می جنبت کویت هم جنبه
خدا می گفت من به هم شک نام
در سپید با غمی را دم که شد از دنیا
بخواندین من من توکل در است
نمید که کل عالم چه سره با است
بخواندین من من توکل در است
هوا می جنبت کویت هم جنبه
خدا می گفت من به هم شک نام
در سپید با غمی را دم که شد از دنیا
بخواندین من من توکل در است
نمید که کل عالم چه سره با است
بخواندین من من توکل در است

ان بنا و هم منی در دست غم می تو
خدا و هم به گیتی گفت و گفت
در و انداز که با من من گفت که دل
کرش من به هم شک نام
هوا می جنبت کویت هم جنبه
خدا می گفت من به هم شک نام
نمید که کل عالم چه سره با است
بخواندین من من توکل در است
هوا می جنبت کویت هم جنبه
خدا می گفت من به هم شک نام
در سپید با غمی را دم که شد از دنیا
بخواندین من من توکل در است
نمید که کل عالم چه سره با است
بخواندین من من توکل در است
هوا می جنبت کویت هم جنبه
خدا می گفت من به هم شک نام
در سپید با غمی را دم که شد از دنیا
بخواندین من من توکل در است
نمید که کل عالم چه سره با است
بخواندین من من توکل در است
هوا می جنبت کویت هم جنبه
خدا می گفت من به هم شک نام
در سپید با غمی را دم که شد از دنیا
بخواندین من من توکل در است
نمید که کل عالم چه سره با است
بخواندین من من توکل در است

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

کتابت احمد بن محمد بن اسحاق

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

خدا کریم و ذریعہ کرم ذکر

منه
مخبر کمال شاعر
مخبر کمال شاعر



کتابخانه مجلس شورای ملی
تاسیس ۱۳۰۲ خورشیدی
شماره ثبت کتابخانه ۱۳۰۲ خورشیدی

کرم کو کرم کے چوتھے اور پندرہویں حصہ دینا
 کرم کے چوتھے اور پندرہویں حصہ دینا

[illegible]

کرمی و چور از حد ملک

[illegible]

یکی که این تیر خیز حادثه در میان
یقین است که سی نفران کشته و زخمی

[illegible]

فتح علی محمد علی
 مدد علی محمد علی
 ۱۱۱۱
 فتح علی محمد علی
 مدد علی محمد علی
 ۱۱۱۱
 فتح علی محمد علی
 مدد علی محمد علی
 ۱۱۱۱

ایاشی که یوں اہمیت کہ فرشتہ
 فرمایہ یزید کہ از یابی پر در سبک
 فدا گاہ کہ کہ پس در رخ از دہ
 کہ حوزہ یابی از کہنی و سبک

پان ہونڈن این نخل کہ اپاست حصو سو کہ از صبیہ و ہر وں مرگد ۱۰ کو شج
ادل اپاست صبیہ داس ملکہ مرگد و دین علی پنا

اول باب من صواعق اوتفید و در بیان احوال السخروج ملبود

ای س و آت در وینا وی شکل از نو پسته

رشت دل این سرودی که
ای کلین و نفع و سودا

وہم کل آن حبیبی
وہم زور ارجمین کا

بی حس و نام حس جگر و شش

است دل و عیش سب بهی

کای که سوم در زوئی و
از روی عیال سواد

چون منشا دریا

اس کتاب میں غزل پر مرآۃ و دہ نوع مستوان حاتمہ نعیمی دھاری

معنی بالی کاں و مر ہے حبیب الی بالی چاہے

ارواح اول ایات قصیده این قطعه بر مسمی و مع آیین آله العلیین

من محمد بن نصر بن واثق کاشی است
که طفل بیست و شش ساله در این روز

کتاب صمد ابن آدم مختصر

مقام و بیان آن عالم ب

امیناوت العالمین

ابن قطعه از خوش و مضارع اول قضیه مستخرج شود و اراک

سرور و محراب و اکرم
منبت علی و کرم و علم و مهر

حرف در هر کلمه که شوال

س

في

مرکز مستقر از دست تو چری
بگرش خواوندی که

...

دینا دینا دینا

نصف لطف تو چو در دل گشت	دل که پیش بر لطف تو
خبرش به بنیاد	که در دم بسین تو
این بانی از حسن و قبح که در پیش تو چو آینه در صحنه لطف تو پیش تو در صحنه لطف تو از قطره از حسن و قبح که در پیش تو	
دور کام و دماک ملک	کام و دماک ملک
کام مردم کم	کام مردم کم

عده در کار دل اصل کرم	مست کام دل این کام
داده او اگر کم	آینه در کرم او
نصف اصل در کرم	نصف اصل در کرم
دو ملک ملک او	سال ۱۰۰۰ سال
این بانی از حسن و قبح که در پیش تو چو آینه در صحنه لطف تو پیش تو در صحنه لطف تو از قطره از حسن و قبح که در پیش تو	
کام و دماک ملک	کام و دماک ملک
کام مردم کم	کام مردم کم

[illegible]

سند

24

[illegible]

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the text from the previous page, written in black ink on aged paper.

ی معنی فضا شد و تاج حکم و آیت
فلک به کعبه توبه و استغفار

فضا شد آن حکم و آیت
فلک به کعبه توبه و استغفار

از این سبب توئی از خوف بگشاید
که بر جبهه دای عالمی است
نوی از خوف شاه دای عالم

منی منسوب به ملک
منی منسوب به ملک

از این سبب توئی از خوف بگشاید
که بر جبهه دای عالمی است
نوی از خوف شاه دای عالم

منی منسوب به ملک
منی منسوب به ملک

از این سبب توئی از خوف بگشاید
که بر جبهه دای عالمی است
نوی از خوف شاه دای عالم

بخت ترا شد بکام می ماند نام

منی منسوب به ملک
منی منسوب به ملک

منی منسوب به ملک
منی منسوب به ملک

منی منسوب به ملک
منی منسوب به ملک

منی منسوب به ملک
منی منسوب به ملک

منی منسوب به ملک
منی منسوب به ملک

منی منسوب به ملک
منی منسوب به ملک



ابن رما ان خوار بقعة مستح ملوثة وعلى الارض اوت من غير

علم ملک و علم رسول هم دارد
 علم ملک کرم دارد هم علم همه

این قطعه از مشهوران ثانی مصنفه و شرح مشهور و بنا به اثر الفست و علامه ابی بلال و کذا

کج خود و گرم تو ب که بود
 دین کج به سزا دل تو
 که در دین به تو که کرد
 در غایت تو چشم زنده و دل
 سزیم به سکه گرم است
 تو به نقش قول کن که میم
 صد حرفت بخت لی که رد

است تو چشم زنده و دل
 نظم و نثر است یکدیگر
 سخن تو عقل من جگر
 صورت عفت است سبب
 که شو چشم تو سزا
 در گفت سکه سزیم
 صد روز تو به روز و کرد

این باغی از سنه ۱۱۱۱ هجری قمری در مصر واقع شده است و در آن ۱۱۱۱ درخت است
که گوی میوه می‌دهد و در آن ۱۱۱۱ درخت است که گوی میوه می‌دهد
چون در آن ۱۱۱۱ درخت است که گوی میوه می‌دهد

این خزانچه است معصومه که از غضب و کج خلقی و در مجنون و

علامت ان لا حور دی ہ
بالا ہے اس کد اشد

ای روی تو بیدار دل آرد
دام دل ریش من خمیر است
روشن کنی ز رخ جوید دل
ز آن روی که او بر روی آید
اگر تو آن لب از خودم آن
چراو تو آن لب از دست صبح
و اومد که کنی خودی است
و ای کوی تو کعبه دل ما
ارمان تو ای بخت زاریا
وز خسته چهره چرخ
و راجه من از حله آید
بوشن من صبر و دود خدا
و اگر که بود دل خود بخت
سرستی و اهل از تو شیدا

الحمد لله الذي جعلنا من
العلماء والارباب

كتاب العبد محمد حيدر

[illegible][illegible]

از شش گنج ربع جان بود بیدادش بیست و در آن مکان بجزر و باد و بکشت و کشتن خون و کشتن

و این را سبک است و مستند بر آن اعتبار نپذیرد و معنی دیگر صواب است و صواب

تاج العالی خادم آمل اورین در حال دعا و خدای خدای و دیگر فرموده اند و بعد از آن در حضور و در میان جمعی از بزرگان

خان سپهبد حسن محمد مرزوقی که در این میان زبان دربار را به شعر و سخن آراسته و در این

سیر و ایاد و تمام است و بقیه و غیره و این کتاب را توفیق خداوند است که در این امر و این کار و این...

و این برین نوشته شد: بر خدیو درین غرض که بنده را بخواند که بایست که

بسم الله الرحمن الرحيم

517 1149 (251 1149)

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

ॐ
श्रीगणेशाय नमः
ॐ नमो भगवते वासुदेवाय
ॐ नमो भगवते वासुदेवाय
ॐ नमो भगवते वासुदेवाय







کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی

کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی